



اهمیت احمدی نژاد بودن

ابوالفضل عمویی

دکتر محمود احمدی نژاد فراغ از مواضع و دیدگاهها و عملکرد سیاسی اش یک پدیده استند. احمدی نژاد بی آنکه بخواهیم نسبت به او قضاوت مثبت یا منفی داشته باشیم یک موضوع جدی برای اندیشیدن و تفکر است. احمدی نژاد مردی است که یارها و یارها شخصیت و رفتار متفاوتش از دیگر سیاستمداران ایرانی را به ما یادآور شده است. از این لحاظ احمدی نژاد بودن اهمیت زیادی دارد.

فکر کردن به پدیده احمدی نژاد به ما نشان خواهد داد که اصولاً جنس این پدیده متفاوت از جنس دیگر سیاستمداران و مدیرانی است که مردم ایران پیش از این تجربه کردند. هدف این مقاله نقد یا تایید احمدی نژاد نیست بلکه نگارنده قصد دارد در این مجال کمی به احمدی نژاد نه به عنوان یک مدیر ارشد و سیاستمدار بلکه به عنوان یک پدیده اجتماعی فکر کند و با قلمی کردن این افکار به نتیجه‌هایی روشن برسد و از این رهگذر پای را برای نقد و گفتوگوی غیرسیاسی در مورد مسائل سیاسی باز کند.

ممکن است پدیدارشناسی احمدی نژاد خلاف میل باطنی نویسنده به ورطه سیاست منحرف شود پس پیشاپیش از احتمال چنین سوختن‌های پوزش می‌طلبم و تصور را برعهده می‌گیرم که نتوانسته ایده ذهنی خود را

بدرستی منتقل کند مردی از جنس مردم

احمدی نژاد با شعار «مردی از جنس مردم» پا به عرصه انتخاب عمومی گذاشته است. او عنوان استاد مردمی داشتند و از ساده‌ترین روش‌ها برای تبلیغات انتخاباتی استفاده می‌کردند.

روزهای انتخابات سال ۸۴ با خاطره‌ای به یاد مانده است که کسانی در گوشه و کنار شهر جلوی ما را می‌گرفته و با ارائه یک برگه تبلیغاتی ساده به ما می‌گفتند: «به یکی مثل خودمان رای بدهید».

احمدی نژاد از همان زمان وجه تمایز خود با دیگر کاندیداها را اعلام می‌کرد. اگر کاندیداها از هر دسته و جناحی یا ارائه برنامه‌ها و استراتژی‌های متفاوت که مربوط به مباحث تخصصی سیاست و اقتصاد و فرهنگ می‌شده با یکدیگر به رقابت می‌پرداختند محمود احمدی نژاد پا در میدان دیگری گذاشته بود و با تاکید بر تفاوت‌های اجتماعی و روان‌شناختی خود، قواعد میدان رقابت را متحول کرد.

احمدی نژاد حاضر به بازی در میدانی که رقبا و پیشینیان برای او ساخته بودند نبود. او نه تنها چندباره به نقد مدیران پیشین رفته بود که اساساً مسیر حرکت کشور در مدیریت (حائقل طی ۱۶ سال گذشته) را نابرابرست می‌دانست.

تفاوت عملکرد احمدی نژاد پس از آن تیز بهمرغ هویدا بود و همگان در اظهار نظرهای مختلف در مورد شخصیت رئیس جمهور ایلی فشارند که به صراحت از تفاوت پندارین عملکرد ادبیات و رفتار سیاسی او سخن بگویند.

اظهار ساده‌زیستی احمدی نژاد زندگی و منش ساده‌ای دارد و از نمایش این موضوع هم نمی‌پرهیزد. او سال‌ها در یک خانه کوچک در میدان ۷۱ نارمک واقع در شرق تهران سکونت داشته و تغییر جایگاه او از استادی دانشگاه تا استانداری اردبیل و بعد شهرداری تهران و در نهایت ریاست جمهوری آن را حفظ کرده است. احمدی نژاد در حالی که مجبور شده است به دلازل کاری و امنیتی به ختغای سازمانی در نزدیکی دفتر ریاست جمهوری کوچ کرده همچنان در مجامع و رسانه‌ها از خاتمش در نارمک سخن می‌گوید.

احمدی نژاد همین طور از خودرو «پژو ۵۰۴»ش سخن می‌گوید. هر چند مجبور باشد دقم از «پژو ۴۰۵»های ریاست جمهوری استفاده کند.

در میان اطرافیان احمدی نژاد سخن‌های مربوط به سادگی منش و روش وی بسیار است و در پارک‌های خیری همفکر رئیس‌جمهوره اخبار و عکس‌هایی مربوط به نهار و شام‌های «نان و پنیری» او دست به دست می‌شود.

احمدی نژاد ساده‌زیستی مدیران را یک تکلیف - و نه یک انتخاب - می‌داند. چنان که اولین چالش جدی کلامی او با رئیس‌جمهور پیشین - مریم‌طوبه به محل اسکان آن مقام در نقاط شمالی تهران بود. فیلم تبلیغاتی احمدی نژاد نیز تاکید ویژه‌ای بر سادگی زندگی او داشت به طوری که این تفاوت در رقابت‌های انتخاباتی کاملاً چشمگیر شد.

ادبیات عامیانه و معلم گونه یکی از وجوه اصلی تمایز احمدی نژاد از دیگر سیاستمداران روش سخن گفتن او است. احمدی نژاد در تکلم خود از چنان سادگی‌ای بهره می‌گیرد که تفاوت سخنانش با افراد پیشین کاملاً پیداست. روش سخن گفتن احمدی نژاد به خاطر سلیفه تدریس‌اش روشی آموزشی و معلم گونه است. تکرار چند گونه مباحث و استفاده از ادبیات و کلمات قابل فهم و سعی در تهیه مسائل به مخاطبان، از ویژگی‌هایی است که می‌توان از روش سخن گفتن احمدی نژاد استنتاج کرد. او هر چند تحصیلات عالی به علوم فنی و مهندسی دارد ولی خلاف دیگر هم مسلک‌اش از کلمات پیچیده و مغلق آکادمیک بهره نمی‌گیرد. نوع سخن گفتن او نیز در واقع نه سادی از رفتار اوست که قصد دارد کمابیش از جنایی خود با مردم ناشسته بماند.

احمدی نژاد در سخنانش سعی می‌کند از ضربات مثل‌های عامیانه بهره بگیرد و از ادبیات

و قواعد کلامی هر قومی در سخن گفتن با آن استفاده کند. این موضوع در سخنرانی‌های گوناگون لو در سفرهای استانی به کرات دیده می‌شود این فقط گفتار احمدی‌نژاد نیست که به مظاهر قومی نزدیک می‌شود که کردار وی نیز چنین رنگی می‌گیرد.

پژگاری و تلاش
پژگاری و تلاش احمدی‌نژاد به حدی است که حتی کسانی که نوع تصمیم‌گیری‌های او را نمی‌پسندند به آن اعتراف دارند و حتی سعی می‌کنند از این زاویه به نقد مبتنی تصمیم‌گیری دولت بپردازند. احمدی‌نژاد و دولت او توسط نهاد در یک دوره ۲۰ ماهه از ۶۰۰ شهر کشور بازدید کنند و برای آن شهرها تصمیماتی بگیرند.

فارغ از موافقت یا مخالفت با این تصمیم‌ها
نفس انجام این کار، نشانه پژگاری و تلاش احمدی‌نژاد است هر چند در احتمالات برخی مدیران قبلی نیز پژگاری و پیگیری به عنوان ویژگی‌های شخصیتی ذکر شده است ولی در هیچ کدام از پیشینیان احمدی‌نژاد این پژگاری ظهور و بروز بین‌الادنهایی پیدا نکرده و باز خورد رسانه‌ای برای آن دیده نشده است.

تصمیم‌گیری قریبی
احمدی‌نژاد سعی دارد قاطعیتش در بسیاری از امور را به همگان نشان دهد. هیچ کس در چنین مقعی یکشنبه هیات مدیره یک شرکت بزرگ بیمه را برکنار نکرده یا دستور چله‌چایی روسای همه بانک‌های کشور را ندهد. احمدی‌نژاد ولی این گونه عمل کرده است او چنان ضریبی تصمیم می‌گیرد که بسیاری از مدیران معاون وی از ماجرای اطلاع‌اند.

احمدی‌نژاد در لحظه‌ای که احساس کند کاری درست است از تصمیم‌گیری غافل نمی‌شود. اگر احساس کند مرضی که پای تریبون سخنرانی او نشسته‌اند خواسته‌ای را مطرح می‌کنند در دم پاسخ مثبت به آنان می‌دهد و خواسته آنان را اجابت می‌کند و البته که تصمیم‌های ضریبی و سریع می‌توانند تحت تاثیر احساسات قرار گیرند.

حاکم رؤوف
احمدی‌نژاد نسبت به کسانی که آنان را «مردم» می‌داند بسیار رؤوف‌القلب و بخشنده است. او نمی‌تواند نسبت به خواسته مردم خود را بی‌توجه نشان دهد. گریه‌هایی که صدای سوزناک موافقی که احمدی‌نژاد به درددل و خواسته افراد در دهنش گوش می‌دهد، نشان می‌دهد، نمودی از این مسئله است.

احمدی‌نژاد کسانی «احسان‌گرا» است و اگر کسی بتواند احساسات او را تحریک کند و نشان بدهد که حسن نیت دارد حتما می‌تواند مورد رافت او قرار گیرد. پاسخ مثبت به خواسته‌های مردم از پشت تریبون سخنرانی، رافت احمدی‌نژاد را نشان می‌دهد او برای مردم هر کاری می‌کند. خصوصاً در جاهایی که از لو در خواست می‌کنند و البته پاسخ او به تقاضاهای نوعی دیگر است. او در پاسخ رؤوفانه به خواسته‌های مردم، از همان ویژگی تصمیم‌گیری سریع و ضریبی بهره می‌برد او در میان سخنرانی خود در پاسخ به درخواست مردم حاضر، به آنها کاز می‌دهد و گاه هم پتروشیمی، اگر مردم نسبت به سخنرانی مدیری اعتراض کنند او را در دم برکنار می‌کند یا حتی یک روسا را از ش. جهری به شهر دیگر واگذار می‌کند. احمدی‌نژاد با هر گفته‌ای که خود را «مخادم مردم» می‌داند و بنا بر این در برابر

خواسته‌های آنان مقاومت نمی‌کند.
آزاد رفتار فراسیستمی
احمدی‌نژاد بوروکراسی را مانع فعالیت و خدمت می‌داند و از همین روست که به جای لزوم امور به مجاری تعریف شده، راه جدید ارتباط مس. تقیم را باز کرده است. او از نارضایتی عمومی از روند بوروکراتیک ادارات یاخبر است و به ایجاد یک سیستم اجرایی موازی دست زده و به جای تکیه به دفاتر نظارت و شکایت سازمان‌ها و نهادها از مردم بیش از سیلیون نامه در یافت کرده است.

نسبت احمدی‌نژاد با نظام اداری دولت به گونه‌ای است که گویی خود، مدیر آن نیست بلکه منجی مردم در برابر موافقی است که در این سیستم شم برای آنان ایجاد شده است. احمدی‌نژاد غول اداری سازمان بودجه کشور را چنان خرد و کم‌توان کرد که دیگر چلوی حرکت پرشتاب دولت تهم زانگیرد.

قدرت، عمل احمدی‌نژاد و رفتن بسیاری را
بر آن دانسته که به جای طی مسیرهای طولانی اداری، گام‌هایی برای دیدار یا رئیس جمهور بردارد تا پاسخی برای خواسته خود بگیرند و البته احمدی‌نژاد بر این مینسا فقط حامی محرومان و فقرای نیازمند نیست بلکه حتی کارخانه‌داران و متسولان نیز از دیدار با او راضی برمی‌گردند.

پاسخ‌گوینده به تقاضا
احمدی‌نژاد همان طور که در برابر افرادی که چیزی از او بخواهند پاسخ ضریبی و حاتم‌بخشانه دارد، در برابر تقاضا هم بسیار محکم می‌ایستد. البته نباید نادیده گرفت که منتقدان مشهور او کسانی هستند که نقشی در دوران ۱۶ سال گذشته داشته‌اند و احمدی‌نژاد مسیر آن دوران را مسیر اشتباهی می‌داند نه اینکه تک‌تک اتفاق‌های آن دوران مورد انتقاد وی باشند بلکه احمدی‌نژاد مسیر گذشته (۱۶ سال سابق) را مسیری نادرست می‌داند که در چهار چوب آن مسیر، بسیاری اتفاقات صحیح هم نتایج نامناسب داشته‌اند.

احمدی‌نژاد تقاضاها را با سرعت پاسخ می‌دهد. اگر کسی به عدم اجرای خصوصی‌سازی‌های مربوط به اصل ۴۴ در دولت تهم انتقاد کند فردای آن روز در یک سخنرانی رئیس‌جمهور خواهد شنید که خود منتقد چه عملکرد ناقصی در خصوصی‌سازی داشته است.

احمدی‌نژاد در پاسخ به منتقدانش، یک دوقطبی اجتماعی را هم باز تولید می‌کند. دوقطبی «احمدی‌نژادی‌ها و مخالفانش». پاسخ احمدی‌نژاد به نقدهای مخالفان، مرزبندی‌ای را صورت می‌بخشد که همه مخالفانش از چپ، راست، لیبرال و مسلمان را به یک حلقه سوق می‌دهد. احمدی‌نژاد هرگاه موقعیت‌گوینده نقد را جایبی غیر از توده مردم بداند بر رفتار گذشته‌اش اصرار می‌ورزد. نمونه این رفتار در پاسخ‌ها و رویه‌ها در مجادله تغییر سلت به‌وضوح پیدا بود که می‌توان در آن اصرار احمدی‌نژاد بر رفتاری را دید که منتقدان رسانه‌ای بسیاری دولت (نویسنده قصد موضع‌گیری نسبت به رویکرد مردم به موضوع تغییر ساعت را ندارد و فقط به حجم بالای گفتارهای رسانه‌ای شده اشاره می‌کند که احمدی‌نژاد حاضر به عقب‌نشینی در برابر آن نشده) ماجرای مطرح ورود زنان به استادیوم‌های ورزشی جزء موارد معدودی بود که رئیس‌جمهور به دلیل توجه به انتقادهای

مراجع و علما (نخبگان مذهبی) از آن دست کشید و در موارد غیر از آن، احمدی‌نژاد و دوستانش از اصرار بر نظرات خود در برابر منتقدان دست برنداشتند.
اهداریت اقدامات اضافی
احمدی‌نژاد همیشه کارهایی می‌کند که فراتر از خواسته‌ها و تمیهای مدیریتی خواسته‌شده از او است و شاید بتوان گفت که او دایره مدیریت‌های محوله را وسیع‌تر از آنچه دیگران در نظر گرفته‌اند می‌بیند. احمدی‌نژاد از این حیث به رویکردهای مستمدون که همه امور اجتماعی را به هم مرتبط می‌داند نزدیک است. او زمانی که ش. جهری تهران بود به کمک جوانان نازمازواج کرده رفت و مدتی بعد به فکر چالش‌های معیشتی معلمان افتاد و کمکی به آنان کرد.

رئیس‌جمهور و کسانی که به افکار او نزدیک‌ترند حتی هر فایده فکری تازه‌ای نیستند بلکه به مدیریت جهان می‌اندیشند.
از رئیس‌جمهور متفاوت
همه آنچه گفته شد شاید نوعی دست‌بندی ابتدایی از آنچه باشد که در ذهن ما مانده است و بر یک موضوع تأکید دارد که احمدی‌نژاد با مدل‌های پیشین مدیریت در کشور تفاوت دارد.

این تفاوت را باید در کنار جسارت و اعتماد به نفس او برای نمایش این تفاوت دید. احمدی‌نژاد برای آنچه فکر می‌کند درست است حاضر است هزینه بدهد. او حتی با این اعتماد به نفس در توصیف جهان هم بصیراحت می‌گوید «دنیا در حال احمدی‌نژادی‌شدن است». این اعتماد به نفس، فارغ از اینکه حاصل الفای تصور مائوری باشد یا انتقال صاحب اثر به مبدی و میانی طفلانی گفتار و کردار، باید محل تأمل و توجه ویژه قرار گیرد. احمدی‌نژاد می‌داند که متفاوت است و البته رمز جلب آذهنان و قلوب به سمت او هم همین تفاوتش است.

او مطمئن‌از مسیر متفاوت‌نشان خود بازخواهد گشت چون در مسیر این تفاوت، نمایی هست که می‌تواند خاستگاه متفاوتش (مردم و نه نخبگان) را به بیان جامع‌اش بیاورد. او کسی نیست که به ایجاد هر آروز یک بحران و مسئله در کشور اعتراض کند بلکه خود هر آروز با کمتر، شمای، نواز رفتار متفاوتش را به رخ همگان می‌کشد که نشان بدهد بسیاری در جایگاه او از جنس مردم نبودند بلکه فقط اوست که همدی از جنس مردم است.

تکمله
احمدی‌نژاد در مسیر «مردی از جنس مردم بودن» حرکت کرده است و هر چند برخی موافق چون گرامسی می‌توانست او را از صف مردم خارج کند ولی او برای عبور از این موانع هم تلاش‌هایی کرد و سعی کرده و خواهد کرد که به مسیر مردمی بودن ادامه دهد. احمدی‌نژاد ولی با این هدفگذاری بر تمیق شکاف دوقطبی توده-نخبگان اثر گذار بوده است. او سمت توده را گرفته و از نخبگان سیاسی و اجتماعی دوری جسته است. او در بسیاری از ویژگی‌هایی که ذکر آن رفته نه فقط به سمت مردم حرکت کرده که در این حرکت، از نخبگان دور شده است. از جمع‌بندی رفتار و گفتار احمدی‌نژاد نیز می‌توان دریافت که او به صورت مبنایی به منش و روش نخبگان کشور اعتقادی ندارد و تباین مسیر حرکتش با آنان را انکار نمی‌کند.

دیوانسالاری؟

مدت‌هاست که به خدمت‌ها و خیانت‌های دیوانسالاری (بوروکراسی) می‌اندیشم. دیوانسالاری موجوده چقدر به حل مشکلات کمک می‌کند و چه میزان به تثبیت مشکلات می‌انجامد؟

دیوانسالاری پدیدیده جدیدی نیست و تمدن‌ها و حکومت‌های مقتدر، هرگز بدون انضباط دیوانی نبودند. در دوره‌های اخیر هم بوروکراسی را تجسم مدیریت عقلی و علمی دانستند ولی باید دید که آنچه روی کاغذ آمده و موضوع بحث‌های نظری در باب عقلانیت ابزاری بوده یا آنچه عملاً اتفاق افتاده و بخصوص آنچه با پوشش مدرنیزه کردن دولت‌ها در دهه‌های اخیر تحقق یافته. و قضا چه مقدار دولت را عقلانی و چه مقدار عقل‌ها را دولتی یعنی رسمی‌گرایانه و اناری کرده است؟

به جای از انقلاب‌ها در تارهای عتکوتی بوروکراسی گرفتار شده‌اند. تارهایی که خاصیت ارتجاعی و بازگرداننده دارند و همه‌شور و شعور انقلابی را خنثی می‌کنند و اوضاع را به عصر ماقبل انقلاب‌ها بازمی‌گردانند. خواص مثبت دیوانسالاری را کملاً می‌پذیریم مشروط به آنکه به راستی به مدیریت علمی بینجامد.

اما دست کم در کشورهایی چون کشور ما که دهه‌های متوالی تحت سلطه رژیم‌های وابسته بوده‌اند و الگوهای جعلی، تحمیلی و وارداتی بوروکراسی را تجربه کرده‌اند مسئله بوروکراسی، غالباً نوعی «دولت در دولت» را می‌سازد تا ظاهراً بودجه اقتصاد و مملکت را محاسبه پذیرد. برنهر بزرگی شده و علمی و شفاف نشان دهد اما در واقع مسائل بسیاری را غیر شفافه غیر عملی و حتی تبدیل به ضدبهرنامه می‌کند.

حتی بهتر است بگویم بوروکراسی گاهی نقش ابزاری خود را از دست می‌دهد تبدیل به یک اپنولوژی می‌شود و اخلاق و ویژگی می‌سازد که حالتی تخریبی و ایستار بر کل سیستم تحمیل می‌کند. در نتیجه کوکم و سببه تبدیل به هدف می‌شود و هدف به وسیله اپنولوژی دیوانسالارانه، عملی‌باعت استحکاک درون سیستمی می‌شود. همه چیز که می‌تواند از هر کس جزئیات کار خود را می‌داند اما هیچ کس از کلیت کار و نتیجه عملی آن، چیزی نمی‌داند. همه مشغول کارند اما کاری پیش نمی‌رود. تلاش می‌کنند ولی کارهای باز نمی‌شود.

به طور خلاصه باید گفت که نظام بوروکراسی موجود چند شاخصه برجسته ندارد اول اینکه بیچگونگی در حال توسعه است یعنی اصولاً میل دائمی به بسط حوزه نفوذ و سیطره اختیارات و دایره استیلای خود دارد دوم اینکه با تمام توان از خود دفاع می‌کند حتی ساختمان و همزار کار مزاره خود را هم راضی نیست که به دیگران بدهد و به بهانه‌های واهی از آن مراقبت می‌کند. سوم اینکه به شدت بخشی‌نگر و جزئی‌نگر است.

شاخصه چهارم این است که در مقابل تحولات مقاوم است. هر نوع تحول را به منزله آسیب به خود تلقی و در برابر آن مقاومت می‌کند و آخر اینکه بازدهی آن بسیار پایین و هزینه آن فراوان و رو به افزایش است. یادداشت‌های محمود احمدی‌نژاد
www.ahmadinejad.ir

